



## ادله حجیت ارتکاز متشرعه نزد متأخرین فقهای شیعه

محمد جواد اکبری<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مسائل اصولی که نزد متأخرین و بیشتر نزد معاصرین مورد دقت و بحث قرار گرفته، ارتکاز متشرعه است. این بحث مانند خطابات قانونی، از مسائل مستحدثه می‌باشد و به صورت یک عنوان مستقل نمی‌توان آن را در کتب متقدمین یافت. محور اصلی و مهم در این تحقیق، بررسی دلایل موافقان و مخالفان حجیت ارتکاز متشرعه است اما در خلال آن به برخی مسائل دیگر، مثل شباهت‌ها و تفاوت‌های ارتکاز متشرعه با سیره متشرعه، سیره عقلا با سیره متشرعه و ارتکاز با سیره پرداخت شده که نقش مهمی در فهم بیشتر مفهوم ارتکاز دارد و منجر به درک بهتر این مسئله می‌شود. این پژوهش که با روش تحلیلی و اجتهادی انجام گرفته و نتیجه‌اش این است که ارتکاز از جمله راه‌های یقینی برای دستیابی به سنت می‌باشد و راهی برای کشف قول، فعل و تقریر معصوم است و دلیل حجیت ارتکاز متشرعه احراز اتصال سیره یا ارتکاز به زمان معصوم است و دلالت سیره با شرایط معاصرت سیره در زمان معصوم، عدم ردع از سوی معصوم، مفید تکلیف و منطبق بر مسائل شرعی معتبر است.

**کلید واژه:** ارتکاز، سیره متشرعه، سیره عقلا، متأخرین، حجیت.

### مقدمه:

ارتکاز یکی از مسائل و مباحث مهم و دارای ثمره زیاد در فقه و اصول فقه است. ارتکاز متشرعه، مجموعه‌ای از ادراکات ناخودآگاه و نامعلوم به معلوماتی است که در ذهن متشرعه (عرف مردم) رسوخ کرده و علت، منشأ و دلیل این رسوخ مشخص نیست؛ چه این معلومات در عالم اثبات (ذهن) به وجود آمده باشد و چه در عالم ثبوت (خارج) محقق شده باشد. ثبوت و اثبات جایجا شوند.

۱. طلبه پایه ششم حوزه علمیه مشکات رستگاران مهدیه. mohammadjvadakbari18@gmail.com: ایمیل -

سیره و ارتکاز از جمله مباحثی است که فقها آن را به عنوان مدرک و دلیل بر استنباطشان از مسائل مختلف قراردادند و به عنوان مدرک از آن در فقه استفاده می‌کنند و این امر تا زمانی است که از سمت شارع ممنوعیتی بر استفاده از این بحث در استنباط صادر نشده باشد و تاییدیه و امضای شارع را داشته باشد.

به دلیل وجود ثمره بالای علمی و کاربردی در سایر علوم انسانی و همچنین کم توجهی به آن در جامعه علمی با وجود تأثیر زیاد در اکثر مباحث فقهی سعی شده پاسخی متقن و مورد نیاز علمی و فقهی به آن داده شود.

بحث ارتکاز متشرعه موضوعی است که کاربرد آن به عنوان دلیل برای استنباط حکم شرعی به قدری بالا و تأثیرگذار است که بعضی از علما این دلیل را از اجماع هم بالاتر دانسته‌اند. از جمله کاربرد ارتکاز متشرعه را در فقه می‌توان در عرییت در نکاح و بحث نیت نام برد. همچنین از جمله کاربرد این بحث در فقه را می‌توان به مقدار مسح پا با کف دست در وضو می‌توان اشاره کرد که این نشانه بر ضرورت این بحث می‌شود.

در نتیجه با توجه به کاربردهای زیاد این بحث و نیاز شدیدی که به این بحث وجود دارد، ضروری است که طی یک تحقیق به این بحث و این مسئله مهم مورد بحث قرار بگیرد.

کاربرد واژه ارتکاز به عنوان دلیل، نزد اصولیان معاصر رایج شده و در اصول فقه، سیره به عنوان دلیل بر حجیت خبر واحد به کار گرفته می‌شود. برخی نیز برای ارتکاز متشرعه باب جداگانه‌ای گشوده و به اختصار از آن سخن گفته‌اند. (فرهنگ فقه فارسی، ج: ۱: ۳۷۳)

موضوع ارتکاز متشرعه در یکسری مباحث مثل سیره متشرعه و حقیقت متشرعه در کلام اصولیون و اصول فقه آمده، مخصوصاً در این دو باب که اشاراتی در کلام اصولیون بر وجود ارتکاز متشرعه و حجیت ارتکاز متشرعه آمده مانند: شهید صدر در کتاب بحوث فی علم الاصول، سید محمد تقی حکیم در اصول فقه مقارن و شیخ محمد علی انصاری در الموسوعه الفقهیه المیسره که این سه منبع از بهترین منابعی است که می‌توان در این بحث (ارتکاز متشرعه) از آن استفاده کرد.

تحقیقات و مقالاتی که مستقیماً به این موضوع اشاره دارد و این موضوع در آن بحث شده است عبارت است از:

۱. ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی در مقاله‌ای با عنوان مفهوم و حجیت ارتکاز متشرعه در بیان فقیهان شیعه به منشاء ارتکاز، اقسام ارتکاز، اشتراکات و افتراقات سیره با ارتکاز پرداخته و این مباحث را به خوبی تنقیح کرده است و از منابع متقن و قابل توجهی در پژوهش خود استفاده کرده است. ایشان همچنین در پژوهش خود بحثی را درباره فتاوی اصولیان و فقیهانی که ارتکاز را در فتاوی خود تأثیر داده‌اند را آورده که این نشان‌دهنده ثمره بالای این بحث می‌باشد و ایشان این ثمره را با آوردن مصداق به خوبی ارزش‌گذاری کرده و این بحث را بیان می‌کند.

۲. محمد زنده‌دل در رساله دکتری با عنوان نقش سؤال راوی در استخراج ارتکازات، سیره‌ها و تأثیر آن در فقه. ایشان به خوبی تمام نکاتی که درباره ارتکاز باید دانسته شود را به خوبی مورد بحث قرار داده است و ثمرات فقهی که در این مسئله وجود دارد را آورده است و محل نزاع را به خوبی بیان کرده است به طوری که در مقالاتی توسط محقق مطالعه شده به این اندازه که در این تحقیق محل نزاع تقریر شده در مقالات دیگر به این شکل بیان نشده است.

۳. رضا اسفندیاری در پژوهشی با عنوان قرینه ارتکاز و کارایی آن در حل مسائل جدید فقهی تعریف، جایگاه و کارایی قرینه ارتکاز را بحث کرده است که این بحث را بنده تا آنجایی که تتبع و تفحص کردم فرد دیگری این بحث را به این گستردگی و دقیق بیان نکرده است.

۴. زهرا سادات احمدی سلیمانی و آقای محمدحسن حائری و محمدتقی فخلعی در پژوهشی با عنوان سیره متشرعه، شرایط حجیت و شبکه روابط مفهومی آن درباره خاستگاه سیره متشرعه و نسبت آن با سیره عقلا را به خوبی بحث کرده و همچنین ایشان در این پژوهش سعی کرده‌اند به شرایط حجیت ارتکاز متشرعه و جایگاه آن در میان ادله استنباط امامیه بپردازد که بنده در مقالات و پژوهش‌هایی که از سمت پژوهشگران انجام شده ندیدم که فردی به این مسئله پرداخته باشد.

- اما مقالاتی که ادله موافقان و مخالفان را مورد بحث قرار بدهد، و آن‌ها را نفی یا اثبات کنند یافت نشد. در این تحقیق دلایل موافقان و مخالفان در حجیت ارتکاز متشرعه بررسی می‌شود.

## مفهوم شناسی:

### ۱. ارتکاز در لغت و اصطلاح

ارتکاز در منابع مختلف با تعبیراتی تعریف شده است که آن‌ها موارد ذیل است:

**الف:** صوت کم و ضعیف. (فیروزآبادی، ۵۱۴۲۶: ۵۱۲ و فراهیدی، بی‌تا: ۳۲).

**ب:** حس و صوت؛ (فیروزآبادی، ۵۱۴۲۶: ۵۱۲ و ابن درید، ۱۹۸۷: ۷۰۸)

**ج:** چیزی را با سوزن در زمین سوراخ کرد. (جوهری، ۱۴۰۷: ۸۸۰)

ارتکاز متشرعه، نوعی ادراک و شعور ناخودآگاه به معلوماتی است که به عمق اذهان متشرعه رسوخ کرده و منشأ پیدایش آن به تحقیق، برای آنان روشن نیست، هرچند به طور اجمالی علت پیدایش آن، اعتقاد متشرعه به شریعت واحد و پای بندی به آن به حساب می‌آید؛ چه طبق این ارتکاز، سلوک عملی در خارج شکل گرفته باشد و چه شکل نگرفته باشد. این ارتکاز منشأ پیدایش سیره متشرعه می‌باشد. (گروهی از محققین، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

### ۲. متشرعه در لغت و اصطلاح

#### متشرعه در لغت:

با پژوهش در لغات معتبر و قدیمی، هیچ اشاره‌ای به معنای لغت متشرع و مشتقات آن دیده نشده است. ولی با توجه به معنای مشهور باب تَفَعَّل که مطاوعه و اثرپذیری است. ظاهراً در کاربرد متأخر، تَشَرُّع به معنای اثرپذیری از تشریح الهی ایجاد شده است. به عبارت دیگر: شَرَّع یک حالت متعدی دارد ولی لازم شده و در باب مطاوعه رفته است. و صرفاً در اینجا جنبه لازمی و فاعلی (اثر پذیرفتن) استفاده می‌شود.

این‌که ماده شَرَّع به باب تَشَرُّع (تَفَعَّل) برود در لغات نیست و این‌که متشرعه را در این معنا معلوم است یک اصطلاح متأخر است. به این شکل که مُتَشَرِّع حالت مطاوعه‌ای دارد یعنی اثرپذیری و این به این معناست که وقتی خدا تشریح می‌کند، یعنی خدا به وسیله پیامبر تشریح می‌کند و مسلمانان و مؤمنان در اثرپذیری این تشریح، مُتَشَرِّع می‌شوند پس در نتیجه باب تَفَعَّل را بعداً ساختند.

#### متشرعه در اصطلاح:

عرف متشرعه مردمی‌اند که شریعت را پذیرفته‌اند و معمولاً (طبق اصطلاح اصولی) از زمان

امام صادق علیه السلام به بعد را عرف متشرعه گویند. و قطعاً در عصر صادقین (امام صادق و امام باقر) علیهما السلام معانی اصطلاحی (الفاظی که دارای معنای شرعی هستند فقط در معنای شرعی شان) به کار می‌رفتند. و معنای لفظی آن‌ها از بین رفته بود. به این شکل که دیگر لفظ صلاة به معنای دعا نبود و صلاة به معنای همان نماز (با افعال خاصه) بود. لذا اصطلاح عرف متشرعه را برای دوره صادقین (علیه السلام) به کار می‌برند. (ولایی، ۱۳۸۷: ۱۷۳)

### ۳. حجیت در لغت و اصطلاح

#### حجت در لغت:

حُجَّةٌ: دلیل و برهان. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۲)

الحُجَّةُ: صورت پیروزی هنگام اختلاف. (فراهیدی، بیتا: ۱۰)

#### حجت در اصطلاح:

مرحوم مظفر: هر آن چیزی که صلاحیت دارد به عنوان دلیل برای احکام شرعی قرار بگیرد. (مظفر، ۱۴۴۳: ۳۷۷)

### ۴. عرف در لغت و اصطلاح

#### عرف در لغت:

العُرْفُ. و عرف متشرعه به معنای آن چیزی است که نزد مردم شناخته شده و مرسوم است.

#### عرف در اصطلاح:

به روشی که همه مردم یا گروهی از آنان در نتیجه به آن خو گرفتند و آن را عادت و شیوه خود ساختند. عرف سه رکن اصلی دارد.

#### الف. عمل معین.

ب. تکرار آن عمل از سوی همه مردم یا بیشتر آنان.

ج. ارادی بودن آن عمل غریزی بودن آن عمل. (اکبری، ۱۳۹۲: ۲۱۵-۲۱۶)

#### دلایل موافقان بر حجیت ارتکاز متشرعه از دیدگاه متأخرین فقهای شیعه

بحث ارتکاز متشرعه یکی از مباحثی است که در علم اصول مورد بحث قرار می‌گیرد و مانند اجماع به عنوان دلیل لبی استفاده می‌شود و از جمله راه‌های یقینی دستیابی به سنت شمرده می‌شود. (به عبارت دیگر: راهی برای کشف قول معصوم شمرده می‌شود).

این بحث را در کتاب‌های علمای قدیم مثل معالم الدین و ملاذ المجتهدین (صاحب معالم)، التذکره باصول شیخ مفید، الذریعه الاصول سید مرتضی علم الهدی و ... نمی‌توان یافت. به این دلیل که این بحث نزد متأخرین فقهای شیعه مورد دقت و بحث قرار گرفته است. عرف متشرعه مردمی‌اند که شریعت را پذیرفته‌اند و معمولاً از زمان امام صادق علیه السلام به بعد را عرف متشرعه می‌گویند. (ولایی، ۱۳۸۷: ۱۷۳)

ارتکاز آن داشته‌های ذهنی و دانسته‌های ذهنی است که نسبتاً پایدار و ثابت و نسبتاً نهان و خفی و اجمالی هستند.

این اجمالی هم که اینجا بحث کردیم غیر از آن علم اجمالی به آن معنایی است که در جاهای دیگر اصول بحث می‌شود، این اجمال شبیه آن است که در تبادر و قیاس و امثال این‌ها هست که توضیح داده‌ایم.

اگر بخواهیم تعریف جامعی از ارتکاز متشرعه داشته باشیم می‌توانیم بگوییم که ارتکاز متشرعه نوعی ادراک و شعور ناخودآگاه به معلوماتی است که به عمق اذهان متشرعه رسوخ کرده و منشاء پیدایش آن به تحقیق برای آن‌ها روشن نیست، هرچند به طور اجمالی علت پیدایش آن، اعتقاد متشرعه به شریعت واحد و پای بندی به آن به حساب می‌آید. چه طبق این ارتکاز، سلوک عملی در خارج شکل گرفته باشد و چه شکل نگرفته باشد، این ارتکاز منشاء پیدایش سیره متشرعه می‌باشد. (گروهی از محققین، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

انواع ارتکاز شامل ارتکاز عقلا و ارتکاز متشرعه است که در این مقاله به بحث از ارتکاز متشرعه خواهیم پرداخت. سیره متشرعه را سیره متشرعه، سیره اسلامی و سیره عملیه (صدر، بی‌تا: ۱۵۹) هم نام‌گذاری کردند. (مظفر، ۱۴۴۳: ۵۳۵)

سیره‌ی متشرعه‌ی معتبر، اقوی از سیره‌ی عقلائیه برای کشف رأی معصوم می‌باشد. (درس اصول استاد حمید درایتی، ۱۴۰۱)

- مراد از ارتکاز به عنوان دلیل، بنا بر آنچه از موارد استعمال آن در کلام فقیهان و اصولیان استفاده می‌شود ارتکازی است که سیره عملی بر طبق آن موجود باشد و ارتکاز، در حقیقت، پشتوانه علمی سیره به شمار می‌آید. (حکیم، ۱۱۴۵، بی‌تا: ۲۰۰)

البته از ظاهر سخنان برخی برمی‌آید که ارتکاز پشتوانه علمی سیره است؛ هرچند سیره عملی

به جهت نظری بودن موضوع ارتکاز یا عدم تحقق موضوع آن تا به حال بر طبق آن وجود نداشته است.

- موافقان بر حجیت ارتکاز متشرعه دلایلی ذکر کردند که قول و دلایل آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. مرحوم محمد رضا مظفر می‌فرمایند:

صورت‌های سیره متشرعه بردو نوع می‌باشد:

**الف.** سیره و ارتکازی که یقین داشته باشیم در عصر معصوم ایجاد شده باشد به طوری که یکی از معصومین به آن عمل کرده باشد یا اینکه آن سیره را تقریر کرده باشد.

**ب.** سیره و ارتکازی که یقین و علم داریم بعد از عصر معصوم ایجاد شده و به وجود آمده است. در نوع اول شکی وجود ندارد که حجت و قطعی است و موافق با شارع است و می‌توان به عنوان دلیل برای استنباط احکام شرعی از آن استفاده کرد. و مانند اجماع قولی موجب حدس قطعی به رای و نظر معصوم می‌شود.

اما نوع دوم حجت نمی‌باشد و نمی‌توان به عنوان دلیل از آن برای استنباط احکام شرعی استفاده کرد چون کاشف از موافقت معصوم به صورت قطعی و یقینی نیست.

**ب.** سید مصطفی محقق داماد در کتاب خود می‌فرماید: حجیت و سندیت سیره اسلامی نیز بستگی به ضریب کاشفیت آن از موافقت شارع دارد و لذا رویه عملی مسلمانان و سنن رایج بین آنان، گاهی به گونه‌ای است که می‌توان اتصال آن را به زمان معصوم احراز نمود، یعنی به طور قطع، جزم استنباط شود که رویه مزبور در زمان آن بزرگواران نیز رایج بوده است. این‌گونه سیره قطعاً حجیت دارد. (محقق داماد، بیتا، ۱۵۰)

اما اگر چنین جریانی احراز نگردد، سیره غیرقابل اعتماد خواهد بود. زیرا بسیاری از عادات و رسوم و سنن است که در مقطعی از زمان، آن‌چنان رایج می‌شود که جزء فرهنگ مسلم یک اجتماع محسوب می‌گردد.

ولی با اندکی ریشه‌یابی و تعمق، به راحتی می‌توان اطمینان حاصل نمود که ریشه و آغاز این رویه عملی مبتنی بر انگیزه‌های غیرمنطقی و یا حتی هوی و هوس‌ها و تعصب‌های قومی و نژادی بوده که پرواضح است روح شرع مقدس از آنان مبرا است. نظیر برخی عادات و رسوم

که در جوامع امروز اسلامی رایج بوده و نه تنها اسلامی نیست بلکه خلاف آن نیز می باشد.  
 ۳. سید رضا صدر: سیره عملیه‌ای است که متصل به زمان معصوم است و چنانچه دو فتوا دهنده وجود دارد این سیره مبتنی بر رجوع به فتوا دهنده‌ای است که نزدیک به عصر معصوم باشد. (صدر، بی‌تا: ۱۵۹).

۴. محمدحسین اشکانی: سیره متشرعه زمانی که کاشف از دلیل شرعی بدون سکوت معصوم و مقدمه باشد حجیت دارد و می توان به عنوان دلیل از آن استفاده کرد.

۵. یکی از ارکان حجیت سیره، اثبات معاصر بودن آن با زمان معصوم علیه السلام و در مرأی و مسمع معصوم علیه السلام بودن آن، و رکن دیگر آن، امضای شارع و یا عدم ردع وی است.

در سیره معاصر با زمان معصوم علیه السلام رکن اول احراز شده و به اثبات رکن دیگر نیاز است؛ بنابراین، سیره‌ای که بعد از زمان معصوم علیه السلام جاری شده باشد، حجیت ندارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۴ و انصاری، ۱۴۱۵ق: ۳۹۱)

۵. ابوجعفر طوسی: اگر از زمان امیرالمؤمنین تا زمان خودمان (عامه الطائفه) رجوع شود به علما و از علماء در احکام شرعی و عبادات استفتاء کنند و علماء نیز له آن استفتائات فتوا دهند و مسوغ و اجازه بر عمل کردن به آنچه که فتوا دادند باشد این حکم حق است و هیچ شکی در انجام دادن یا انجام ندادن آن نیست.

۶. سید کمال حیدری: سیره متشرعه در کشف از دلیل شرعی، احتیاجی به سکوتی که دلالت بر امضاء و تأیید از طرف شارع باشد را ندارد و همچنین حجیت سیره متشرعه متوقف بر امضای شارع نمی باشد. (حیدری، ۱۴۲۸ق: ۲۵۰)

۷. شهید محمدباقر صدر هم درباره کشف و حجیت سیره این طور می نویسد: سیره متشرعه امری واضح است به این دلیل که قطعاً ما از این سیره می توانیم حکم شرعی را کشف کنیم و این استکشاف هم از باب کشف علت از معلول است. (باقر صدر، ۱۹۸۶م: ۱۲۸)

۸. سید محمود هاشمی شاهرودی: قائل است که اعتبار سیره‌ی متشرعه نیز همانند سیره‌ی عقلائیة درگرو اثبات معاصرت و عدم ردع آن از جانب معصومین علیهم السلام می باشد. که برای احراز هر یک، راه‌هایی ارائه شده است. مسیرهایی که برای احراز معاصرت سیره‌های متشرعه مستحدث مطرح شده، عبارت است از:



۱. نقل روایی و تاریخی - بر اساس گزارشاتی که نسبت به رفتار متشرعه در زمان معصومین علیهم السلام شده است، تحقق سیره‌ی متشرعه مستحدث در عصر اهل‌البیت علیهم السلام اثبات می‌شود. بدیهی است که این گزارشات اگر موجب قطع یا اطمینان شوند (مانند اخبار متواتر)، که به خودی خود معتبرند اما اگر نهایتاً مفید ظن باشند، بر اساس حجیت خبر واحد قابل اعتماد خواهند بود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۹)

اشکال: به نظر می‌رسد وجود این گزارشات در حد خبر متواتر (تواتر در هر طبقه) و اطمینان آور بسیار بعید باشد (چون اهمیاتی به نقل فعل آحاد جامعه وجود نداشته است) و مادون آن نیز حتی بنابر حجیت خبر واحد، قابل اعتماد نمی‌باشد زیرا:

**اولاً:** اثبات معاصرت سیره به وسیله‌ی خبر واحد بسان خبر واحد در موضوعات است که حجت نیست زیرا تحقق موضوعات از امور تکوینی و حجیت از امور تبعیدی می‌باشد، و واضح است که امور تکوینی از طریق امر تبعیدی قابل اثبات نخواهد بود. مضافاً به اینکه حتی اگر حجیت خبر واحد در موضوعات به اعتبار اینکه مستتبع حکم شرعی است، پذیرفته شود باز هم خبر واحد قائم به سیره‌ی اصحاب امام علیهم السلام معتبر نخواهد بود زیرا فعل غیر معصوم نه حکم شرعی است و نه موضوع حکم شرعی تا خبر واحد متضمن آن، قابلیت حجت بودن را داشته باشد.

**ثانیاً:** کشف دیدگاه معصوم علیهم السلام و احراز وجدانی سنت از طریق سیره‌ی متشرعه مستلزم آن است که معاصرت سیره‌ی متشرعه وجدانی باشد و الا با اثبات تبعیدی سیره نمی‌توان رأی معصوم علیهم السلام را احراز و وجدان نمود.

**ثالثاً:** عدم وجود مخالفت در صورتی که موضوع سیره‌ی متشرعه یک مسئله عام البلوی و ابتلا به آن از دیرباز وجود داشته باشد (مانند طواف کعبه)، علی‌القاعده باید معصومین علیهم السلام متکفل بیان حکم آن مسئله می‌شدند (چه موافق با سیره‌ی متشرعه و چه مخالف با آن) و حکم آن موضوع مکرراً مورد سؤال اصحاب واقع می‌شد. بنابراین عدم وجود دلیلی شرعی در آن مسئله و نیافتن حتی یک سؤال پیرامون آن در عین مبتلی به بودنش، حاکی از وجود همان سیره‌ی متشرعه مستحدث (شروع طواف از رکن حجرالأسود) در آن عصر و رضایت امام علیهم السلام نسبت به آن خواهد بود.

اما به این مطلب اشکال شده که ممکن است عدم صدور بیان از جانب امام علیه السلام نسبت به آن مسئله‌ی عام البلوی به جهت عدم وجود حکم شرعی الزامی در آن مسئله باشد (مانند اینکه شرعاً طواف از هریک از ارکان کعبه جایز بوده است)، پس وجود سیره‌ی متشرعه بر یک حکم الزامی و سکوت امام علیه السلام در قبال آن، کاشف از حکم الزامی شرعی نمی‌باشد.

**رابعاً:** عدم وجود بدیل اگر سیره‌ی متشرعه مستحدث نسبت به موضوعی باشد که آن موضوع هم در عصر اهل‌البیت نیز محل ابتلا بوده است، همانا باید بدیل آن سیره، دستور و رفتاری صادر می‌شد که مفاد آن نیز به ما می‌رسید (لو کان لبان)، پس عدم وجود بدیل در عصر کنونی و اتفاق همه‌ی متشرعه بر یک نوع رفتار، حاکی بر وجود همان سیره‌ی متشرعه مستحدث در عصر امام علیه السلام و رضایت ایشان نسبت به آن خواهد بود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق: ۲۴۱)

۹. البته مرحوم صدر معتقدند که صرف عدم وصول ردع از سیره‌ی عقلائیه‌ای که معاصرت آن با اهل‌البیت علیهم السلام به اثبات رسیده است، به ما موجب احراز عدم صدور ردع نسبت به آن سیره خواهد شد زیرا اساساً رادع همیشه باید متناسب مردوع باشد (در غیر این صورت لغو و خلاف حکمت است) و منع از یک رفتار همگانی و فراگیر که در عموم مردم نهادینه شده و ریشه‌های آن در اذهان آحاد جامعه رسوخ کرده است، باید به لحاظ کمیت (تکرر بیان و تخاطب با افراد مختلف) و کیفیت (موضع‌گیری سخت و دلالت واضح) در سطحی صورت گیرد تا بتواند مانع از آن سلوک عملی شود (راه سیل با یک سنگ سد نمی‌شود). (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق: ۲۴۴)

۱۰. استاد رضازاده قائل‌اند سیره، زمانی حجت و دلیل بر استصحاب است که شارع ردع نکرده و امضاء کرده باشد. (رضازاده، ۱۳۹۸)

### دلایل مخالفان بر حجیت ارتکاز متشرعه از دیدگاه متأخرین فقهای شیعه

برای بیان ادله مخالفان تبیین مقدمات زیر ضروری است:

- هر فقیهی مأنوس باشد با کلمات شرع، در ارتکاز شرعی قوی‌تر است. در این‌که هر فقیهی هر چه جلو می‌رود ارتکازی اشمَل، اتم، اقوم، آرسخ پیدا می‌کند حرفی نداریم، چون نظام، ذو مراتب است در علم شارع. چرا؟ چون علم شارع، در تقنین لایتناهی است. (بروجردی، بیتا: ۶۴).

- ارتکاز به شرطی صحیح است که متشرعه، خالی الذهن باشند. اگر مخاطبین با پیش فرض به سراغ روایات بروند، کار خراب می شود. هرکسی بالأخره در فضای زندگی، فضای اجتماعی، پیش فرض هایی دارد اگر بدون پیش فرض باشد، درست است، یک ارتکازاتی شکل می گیرد. اما غالباً با پیش فرض می روند. (شیخ طوسی، ۱۴۳۰ق: ۹).

- عمل به ارتکاز درسیره عملی سابقین:

مرحوم شیخ انصاری در موارد متعدد به ارتکاز استناد کرده است. از جمله در مورد اشتراط ملاقات در تنجیس: (فإن الظاهر المتبادر المركز في أذهان المتشرعة من قول القائل: «هذا ينجس الماء أو الثوب» حصول ذلك بالملاقاة، و لذا لم يحتمل أحد في مفهوم «إذا كان الماء قدر كتر لا ينجسه شيء» حصول الانفعال للقليل بمجاورة النجاسة). (حکیم، ۱۷۳۲م: ۱۹۷-۲۰۰)

- گستره دلالت سیره:

سیره؛ خواه مفاد آن انجام دادن فعلی و یا ترک آن باشد، صرفاً بر مشروعیت اصل فعل یا ترک دلالت دارد، نه وجوب، استحباب، حرمت و یا کراهت آن. البته لازمه مشروع بودن بعضی امور، وجوب عمل به آن ها است، مانند برخی اماره ها، از قبیل خبر واحد و ظواهر کلمات؛ زیرا عمل به اماره مشروع نخواهد بود مگر آنکه شارع برای رساندن احکام خود به مکلفان، آن را حجت قرار داده باشد و تمسک به حجت شرعی و عمل به آن واجب است؛ زیرا دستیابی به احکام و فراگرفتن آن بر مکلفان واجب می باشد (انصاری، ۱۴۱۵: ۸۴)

- اعتبار عرف به عنوان دلیل برای استنباط مسائل فقهی:

در منابع اهل سنت از عرف به عنوان منبع و دلیل مستقل در کنار قیاس، استحسان و سد ذرایع و غیره یاد شده است. بر این اساس، در تشخیص ظواهر الفاظ و اتصالات شرعی به عرف تمسک و به عنوان منبع از آن بهره برده می شود. برخی از علمای اهل سنت مثل ابن العابدین حنفی از عرف برای حکم فقهی اثر پذیرفته اند. بر اساس گفته وی، آنچه به عرف ثابت شود همانند آن است که به دلیل شرعی بلکه به نص ثابت شده باشد. ولی از آنجاکه حق قانون گذاری و تشریح و صدور احکام مختص خداوند متعال است، مگر اینکه خداوند به فرد یا نهادی چنین حقی را بدهد؛ بر این اساس خداوند هیچ حقی را به مردم یا عرف عمومی جهت صدور احکام نسپرده است و چنین مطلبی اثبات نشده است.

یعنی عرف نمی‌تواند به عنوان منبع قرار بگیرد؛ اما اینکه آیا مجتهد می‌تواند از عرف در صدور حکم بهره بگیرد، مطلبی است که می‌توان آن را تشریح کرد.

بر اساس مقدمات بیان شده، مخالفان این‌گونه استدلال کرده‌اند:

۱. قطعاً دلالت سیره، عبارت است از انجام شدن و تحقق پیدا کرده فعلی در زمان معصوم در یک عمل مشخص و معین، پس اگر احراز نشود که انجام عملی در عصر معصوم انجام گرفته است در نهایت نمی‌توان به آن سیره عمل کرد چون فاقد حجیت و سندیت برای استنباط احکام شرعی می‌شود. (منصوری، ۱۴۲۷ق: ۱۹۰)

- شهید صدر هم در این راستا می‌فرماید: استدلال و حجت دانستن سیره متشرعه، نیازی به کشف عدم ردع شارع و احراز آن نمی‌باشد، برخلاف سیره عقلائیه که باید ردع شارع اثبات شود و شرط حجت دانستن سیره عقلائیه مشروط است به اینکه عدم ردع ثابت شود.

و وجه نیازمندی سیره عقلائیه به عدم ردع شارع این است که عقلاً اگرچه که بسیاری از موارد بنابر ظهوری که وجود دارد و ظهور دارای حجیت است عمل می‌کنند، اگر بنا نگذارند به ظهور کلام حالتی که ظهور نزد عقلا دارد، مثل حالت قواعدی است که در فقه مقبول نیست؛ مثل استخاره و قرعه.

همان‌طور که استخاره و قرعه را هر جایی نمی‌توان استفاده کرد بنابراین اگر عقلاً، بنا را بر ظهور نگذاشته باشند، نمی‌شود از سیره عقلائیه هم در همه جا استفاده کرد.

پس امکان کشف ثبوت سیره متشرعیه در زمان معصومین علیهم‌السلام در حالتی که عدم ردع شارع را ندانیم نیست، چون خود سیره عقلائیه هم وابسته به عدم ردع شارع است و از طرفی هم سیره متشرعیه هم نیازمند اثبات سیره عقلائیه هست.

و اگر این عدم ردع شارع اثبات نشد در آن زمان هم سیره متشرعه ثابت نیست، چون اگر برای متشرعه طریقه دیگری خاص برای سیره عقلا وجود داشت؛ به این معنا که برای فهم کلام و فهم مراد کلام اگر طریقی غیر از سیره عقلا داشتند رویداد خیلی خاص و فریده‌ای بود، و این خلاف وضع عقلایی است. و چنین حادثه‌ای امکان ندارد بدون یک اشاره و ثبت تاریخی انجام شود.

و راه و طریقی غیر از ظهور یک امر بعید و غریب از طبیعت عقلا است. در این بحث فرض

ما این است که عقلای عالم ظهور را فقط به عنوان طریقه خاصی قرار می‌دهند که دارای اعتبار است و همه عقلا عالم امری را که مربوط به ظهور هست را قبول دارند و تابعش هستند پس سیره عقلانیّه طبق نظر شهید صدر تالی تلو سیره متشرعیّه است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۵).

### نتیجه‌گیری:

با توجه به بحثی که در این تحقیق صورت گرفت می‌توان به نتایج زیر رسید:

۱. ارتکاز متشرعه از جمله مباحثی است دارای اهمیت بسیار بالا و درعین حال نیاز به تحقیق‌های بیشتر و تتبع بیشتر دارد و هنوز در جامعه علمی خلأ آن احساس می‌شود.
۲. این بحث نزد متأخرین و معاصرین خیلی مورد توجه و بحث قرار گرفته است به طوری که برخی علمای متأخر تحت عنوان مستقلی ارتکاز متشرعه را مورد بحث قرار می‌دهند و این مسئله را در کتب قدما نمی‌توان یافت؛ و اگر در کتب قدما این موضوع بحث شده باشد تحت عنوان مستقل مورد بحث قرار نگرفته است.
۳. بین ارتکاز متشرعه و سیره متشرعه، و بین ارتکاز و مذاق همان طور که شباهت‌هایی به هم دارند فرق‌های جزئی هم دارند و برای همین از اصطلاح‌های مختلف برای تعبیر از آن استفاده می‌کنند.
۴. ارتکاز از جمله راه‌های یقینی برای دستیابی به سنت است و راهی برای کشف قول، فعل و تقریر معصوم است.
۵. بعضی قائل‌اند که شرایط حجیت یا سیره متشرعه این است که قبل عصر معصوم ایجاد شده است یا بعد از عصر معصوم؛ به دلیل این‌که اگر احراز شود که در زمان معصوم ایجاد شده حجت می‌باشد و در غیر این حجت نمی‌باشد.
۶. بیشتر علما دلیل حجیت ارتکاز متشرعه را احراز اتصال سیره یا ارتکاز به زمان معصوم می‌دانند. و اگر احراز شود که یک سیره به زمان معصوم متصل نبوده فاقد حجیت و سندیت برای اخذ احکام شرعی می‌شود.
۷. اختلافی که در بین مبانی علما وجود دارد این است که امضا و تأیید شماره یا عدم آن باعث سلب حجیت از سیره متشرعه و از بین رفتن سندیت به عنوان دلیل شرعی می‌شود که

برخی قائل اند حجیت سیره متشرعه متوقف بر امضای شارع نمی باشد در عین حال در مقابل این مبنا برخی قائل اند که حجیت سیره متشرعه زمانی است که شارع آن را تأیید و امضاء کرده باشد. و اگر این تأیید نباشد سیره متشرعه فاقد حجیت می باشد.

۸. مصادیقی از بحث ارتکاز متشرعه را می توان در مسائل مختلف فقهی از جمله عربیت در نکاح و در بحث نیت اشاره کرد.

۹. دلالت سیره در گروهی چند مقدمه است:

الف) سیره عقلاً باید در زمان معصوم باشد؛

ب) سیره از سمت شارع مورد ردع قرار نگیرد؛

ج) سیره مفید تکلیف باشد؛

د) این سیره منطبق بر مسائل شرعی می باشد.

### منابع:

۱. أبوبکر محمد بن الحسن بن ذرید الأزدی، جمهرة اللغة، رمزی منیر بعلبکی، ۱۹۸۷ م، دارالعلم للملایین بیروت، لبنان.
۲. أبونصر الجوهري، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، احمد عبد الغفور، ۱۴۰۷ ق، دارالعلم للملایین، بیروت.
۳. اکبری، کمال، فقه سیاسی و جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲ ش، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۴. الأنصاری، الشيخ محمد علی، الموسوعة الفقهية الميسرة، ۱۴۱۵ ق. مجمع الفكر الإسلامي، قم.
۵. انصاری، مرتضی، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵ هـ. ق، کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم.
۶. گروهی از محققان، فرهنگ نامه أصول فقه، بهار ۱۳۸۹، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. الحیدری، السيد کمال، الدروس شرح الحلقة الثانية، ۱۴۲۸ ق، دارفراق، قم، الخلیل بن احمد الفراهیدی، العین، مترجم: مهدی المخزومی، إبراهيم السامرائی، سال چاپ: بیتا، دارومکتبة الهلال، قم.
۸. درایتی، حمید، درس اصول فقه. ۱۴۰۱/۰۹/۲۰، سایت مدرسه فقاها.
۹. رضا زاده، رجب علی درس خارج أصول. ۱۳۹۸/۱۱/۱۹. سایت مدرسه فقاها.
۱۰. السيد محمد تقی الحکیم، الأصول العامة للفقہ المقارن، ناصرالدين السعيدوني، ۱۷۳۲ م یا ۱۱۴۵ هـ...
۱۱. سیفی مازندرانی، علی اکبر، درس خارج أصول. ۱۳۹۹/۰۱/۲۰. سایت مدرسه فقاها.
۱۲. شهیدی، محمد تقی درس خارج أصول. ۱۳۹۹/۱۰/۰۳، سایت مدرسه فقاها.
۱۳. الشيخ مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروز آبادی الشيرازي، القاموس المحيط، بيتا، دارالعلم للملایین، بیروت.
۱۴. الشيخ محمد تقی بهجت، رساله توضیح المسائل بهجت، ۱۳۷۷ ش، مکتب سماحة آية الله العظمی بهجت، قم.

١٥. شيخ محمدرضا المظفر، أصول فقه، عليرضا رنجبر، ١٤٤٣هـ. ق، مركز مديريّة الحوزة العلمية، قم.
١٦. الصدر، السيد محمد باقر، مباحث الأصول،
١٧. الصدر، السيد محمد باقر، دروس في علم الأصول، ١٩٨٦-١٤٠٦م، دار الكتاب اللبناني- بيروت، لبنان.
١٨. الصدر، السيد رضا، الاجتهاد و التقليد، بيتا، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، قم
١٩. طوسي، ابو جعفر، الاقتصاد الهادي الى طريق الرشاد، ١٤٣٠ق، انتشارات دليل ما، قم.
٢٠. فيروز آبادي، مجد الدين، قاموس المحيط، ٥١٤٢٦، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان.
٢١. محقق داماد، مباحثي از أصول فقه، مصطفى، بيتا، انديشه هاي نو در علوم اسلامي، قم.
٢٢. محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي، لسان العرب، ١٤١٤هـ، دار صادر، بيروت.
٢٣. مددي سيد محمود درس خارج اصول فقه. ١٣٩٦/٠٨/٠٧، سايت مدرسه فقاها.
٢٤. مدرسي، سيد حسين، مقدمه اي بر فقه، ١٣٦٨ش، بنياد پژوهش هاي اسلامي، مشهد، ١٣٦٨ش، جلد ١، ص ٢٩ و ٣٠.
٢٥. مصطفوي، درس خارج فقه. ١٣٩٢/٠٧/٠٢. سايت مدرسه فقاها.
٢٦. المنصوري، الشيخ أباد، البيان المفيد في شرح الحلقة الثالثة، ١٤٢٧ق، حسنين عليه السلام، قم.
٢٧. موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامي، فرهنگ فقه فارسي، محمود هاشمي شاهرودي، تابستان ١٣٨٥. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي، قم.
٢٨. الميرزا هاشم الآملي، الاجتهاد والتقليد، محرّم الحرام ١٤٣٠ هـ ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، قم.
٢٩. نائيني، محمد حسين، فوائد الأصول، ١٣٧٦ش، جامعه مدرسين حوزة علميه قم، قم.
٣٠. النجفي الجواهرى- الشيخ محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ١٣٦٢ش،



- دار إحياء التراث العربي، بيروت-لبنان.
٣١. الهاشمي الشاهرودي، السيد محمود، بحوث في علم الاصول، ١٤١٧ق. محل نشر: مركز  
الغدیر للدراسات الإسلامية، قم.
٣٢. ولايي، عيسى، فرهنگ تشريحي اصطلاحات أصول، ١٣٨٧ش، نشر ني، تهران.